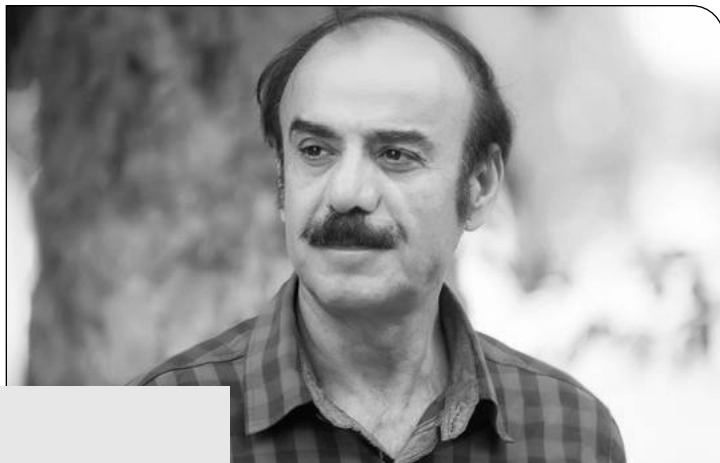


ماريو بارگاس يوسا، نويسنده مشهور پرویی در گذشت

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از سی ان ان، ماریو بارگاس یوسا، نویسنده مشهور پرویی-اسپانیایی و برنده

جایزه نوبل ادبیات که آثارش بر نظام‌های تمامیت‌خواه تمرکز داشت و زمانی نیز برای ریاست‌جمهوری کانیدیدا



در آرامش، در کنار خانواده‌اش چشم از جهان فرو بست.

شده بود، در سن ۸۹ سالگی درگذشت. در بیانیه‌ای که پسرش، آلواریو بارگاس یوسا، روز یکشنبه در شبکه اجتماعی ایکس منتشر کرد، آمده است: «با اندوهی عمیق اعلام می‌کنیم که پدرمان، ماریو بارگاس یوسا، امروز در لیما و

پرنیان | دبیر صفحه: رضا شبانکاره

استاد احمد آرام در گفت‌وگو با پرنیان بیرمی:

یوسا نویسنده‌ای سازش‌ناپذیر بود

گفت‌وگوکننده: رضا شبانکاره

کنیم، چرا که نویسندگان از بطن جغرافیاها بیرون می‌زنند. پرو در غرب قاره‌ی آمریکای جنوبی و در کنار اقیانوس آرام واقع شده است. زبان رسمی این کشور اسپانیایی‌ست و زبان محلی اهالی آن، زبان «کچو» و برخی از آن‌ها به زبان سرخپوستی تکلم دارند. پس ما از طریق زبان و جغرافیا می‌توانیم دریابیم که امپراتوری اینکاها با پشتوانه‌ی فرهنگ عامه، موسیقی و زبان قدرتمند خود بر هنر و ادبیات پرو اثر عمیقی به جا گذاشته است. اما نباید فراموش کنیم که استثمار این قاره توسط اسپانیا، گذشته از غارت معادن طلا، اما یک زبان قوی به آنها بخشید که نویسندگان توانستند بعدها که این قاره به کشورهای کوچک تقسیم شد، با یک زبان مشترک فکر کنند و بنویسند. نباید اشاره‌ی «پابلو نرودا» را از یاد ببریم که گفت: «اگر اسپانیایی‌ها طلای ما را بردند اما طلای زبانشان را بر جا گذاشتند.» و جهان‌بینی یوسا از همین طلای به جا مانده است.

پرنیان بیرمی: به نظر شما میراث ادبی یوسا برای ادبیات داستانی امروز و معاصر جهان چیست؟
احمد آرام: آثار یوسا در جهان داستان آثاری ملموس و ارزشمند است و ماحصل خواندن چنین آثاری رسیدن به یک حس انتزاعی‌ست. آثار او تا آنجایی در حافظه‌ی ما می‌ماند و بر کردار اجتماعی ما اثر می‌گذارد که در نهایت خود را انسانی کامل می‌یابیم. در دهه‌ی شصت میلادی اروپا و غرب دریافتند که دیگر نمی‌توانند یک‌ه تاز میدان ادبی جهان باشند، و طوری این مسئله مشهود شد که دیگران بر این پندار پافشاری کردند که ادبیات غرب و اروپا دیگر حرفی برای گفتن ندارند، و سرانجام آنها خود را پیوند زدند به ادبیات آمریکای جنوبی و حتا آسیای میانه. ادبیات آمریکای لاتین وقتی به زبان‌های رسمی دنیا ترجمه شد و رونق گرفت به این دلیل بود که نویسندگان لاتین به اگزیستانسیال درون آثارشان توجه خاص نشان دادند. یوسا نیز کسی بود که اذهان عمومی غرب را به پیرنگ‌های آثار خود عادت داد، و این عادت سرانجام به روشنایی و درک بیشتری از کشورهای دور افتاده منجر شد. مردم جهان با خواندن آثارش دریافتند که این بار باید به زبان اعتراض در رمان‌های او گوش بسپارند. و چنین هم شد. «پایان»

نوبل می‌گیرد. نویسنده‌ای که سیاسی باشد مغلوب قدرت‌ها می‌شود به این معنی که باید تفکرش را با قدرت‌ها هماهنگ سازد. یوسا نمی‌توانست تن دهد به چنین روشی. یوسا بعدها که با سیاست‌های افراطی فاصله می‌گیرد سعی می‌کند سازش‌ناپذیری خودش را به نمایش بگذارد. و این دغدغه‌ی اصلی او بود؛ دغدغه نویسنده‌ای که از تضاد بین انسان و جهان، به نابرابری‌ها، سانسورها و عدم آزادی بیان می‌رسید. و همین‌ها باعث می‌شد تا شورش‌های درونش به غوغای ادبیات پاسخ مثبت بدهد.

پرنیان بیرمی: وجه تمایز و تشخیص یوسا با دیگر نویسندگان آمریکای لاتین در چیست؟
احمد آرام: اصولاً همه‌ی نویسندگان لاتین می‌نویسند تا دوران تظلم دیکتاتورهای خون‌آشام را به تصویر بکشند، و این نوعی اعاده‌ی حیثیت بود، چرا که همه‌ی آنها دوران تاریخی مشابه داشتند؛ از جمهوری دومینکن بگیرید، از آرژانتین، مکزیک، برزیل، شیلی، کلمبیا عبور کنید پاراگوئه را دور بزنید، از دل ونزوئلا بگذرید تا برسید به کوبا، فوری در می‌یابید این قاره، قاره‌ای‌ست نفرین شده؛ این نفرین به کمک کارتل‌های سرمایه‌داری تولید دیکتاتور می‌کرد تا زیرساخت‌های کشورهای تحت سلطه را به نفع خود تغییر دهند. پیش از دهه‌ی شصت میلادی قاره‌ی لاتین دارای مخوف‌ترین سیستم‌های حکومتی بود؛ تروخیو در جمهوری دومینکن بیداد کرد؛ ارتشاء، فساد و پولشویی، کشور را به لبه پرتگاه رساند. شما در این باره می‌توانید مراجعه کنید به رمان درخشان «سور بز» از یوسا. نتیجه می‌گیریم که نویسندگانی همچون مارکز، فونتس، خولیو کورتازار، خوسه دونوسو، پابلو نرودا، فونتس و دیگران دوران طلایی ادبیات آمریکای لاتین را شکل بخشیدند و دیکتاتورها را برملا کردند و باعث شکوفایی دموکراسی شدند. یکی از موفقیت‌های نویسندگان لاتین گذشته از تاریخ مستعمره‌ای، داشتن زبانی مشترک بود.

پرنیان بیرمی: منبع یا منابع تأثیر پذیری و پایه گذار جهان‌بینی و ذوق ادبی یوسا را در چه و کجا می‌دانید؟ آبخشورهای معرفتی و فکری یوسا در دوره‌ی حیات ادبی او در کجا بود؟
احمد آرام: باید به نقشه‌ی ژئوپولیتیکی پرو توجه

باغ استخوان‌های نمور (رمان- نیمائز، ۱۳۹۶).
پرنیان بیرمی: شما به عنوان یک نویسنده و داستان‌نویس، چگونه مواجهه‌ای با آثار داستانی یوسا داشته‌اید؟ در زندگی حرفه‌ای‌تان چه بهره‌هایی از او برده‌اید؟
احمد آرام: تمام نویسندگان جهان از یکدیگر بهره برده‌اند و همچنان نیز می‌برند. همین‌طور یوسا که از سروانتس بهره برد و دن کیشوت را نخستین رمان مدرن در جهان و فلور بر را یک نویسنده‌ی مدرن می‌دانست، بالطبع یوسا هم در این راستا جدی گرفتن نگرش نو در ادبیات را از این‌ها آموخته است. خود من پیش از این که تحت تأثیر یوسا باشم مدیون کارلوس فونتس، گابریل گارسیا مارکز و خورخه لوئیس بورخس هستم، به این دلیل که ادبیات لاتین از لحاظ جغرافیایی، آداب و رسوم و مخصوصاً توجه به فرهنگ عامه، بسیار به جغرافیای جنوب نزدیک‌اند. اما نمی‌توان گفت یوسا در این میان هیچ‌کاره بوده است. باید در این‌جا اشاره کنم که او نویسنده‌ای سازش‌ناپذیر بود، و من سازش‌ناپذیری در ادبیات را از او آموختم. خود یوسا بارها در گفت‌وگوهای خود به این موضوع اشاره کرده است و گفته نویسندگانی که راضی باشند نمی‌تواند بنویسد، هر نویسنده‌ای که اهل سازش است نمی‌تواند مرتکب بلندپروازی و ابداع کلامی شود. نویسندگان سازش‌کار هر جای جهان باشند محکوم به شکست‌اند هم در زندگی اجتماعی و هم در تاریخ؛ تاریخی که به او پشت خواهد کرد.

پرنیان بیرمی: تلقی یوسا از ادبیات چه بود؟
اصولاً مسئله‌ی یوسا در آثار داستانی‌اش چیست؟
احمد آرام: زندگی حرفه‌ای و جدی یوسا شامل دو مرحله بود، مرحله‌ای که یاغی بود و به ایالات متحده‌ی آمریکا می‌تازید و سعی می‌کرد پرچمدار نوعی جنبش ضد امپریالیستی در قاره‌ی لاتین باشد. زنگی سیاسی او تا جایی پیش می‌رود که خود را کاندیدای رییس جمهوری پرو می‌کند و البته شکست می‌خورد. مرحله‌ی بعدی که بر می‌گردد به دوران میان‌سال و پیری، یوسا در این دوره در عرصه‌ی سیاست کمی ملایم می‌شود و دیگر از آن چرخش‌های ضد امپریالیستی غربی در رفتارش دیده نمی‌شود. در همین دوره است که

پرنیان بیرمی: ماریو بارگاس یوسا، متولد ۲۸ مارس ۱۹۳۶ و درگذشته‌ی ۱۳ آوریل ۲۰۲۵ میلادی یکی از غول‌های ادبیات داستانی نه تنها آمریکای جنوبی بلکه جهان بود. از این نویسنده‌ی سترگ پرویی در ایران آثاری همچون «سال‌های سگی»، «گفت‌وگو در کاتدرال»، «جنگ آخرالزمان»، «مرگ در آند»، «سور بز»، «چرا ادبیات؟»، «روزگار سخت» و...

ترجمه و منتشر شده است.
به بهانه‌ی درگذشت ماریو بارگاس یوسا، در ۱۳ آوریل ۲۰۲۵ نویسنده و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ادبیات (۲۰۱۰)، به سراغ احمد آرام، نویسنده‌ی پیشکسوت بوشهری رفتم تا درباره‌ی اهمیت یوسا و جهان داستانی او گپ‌وگفتی کوتاه داشته باشیم. احمد آرام، متولد ۱۳۳۰، داستان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس ایرانی و مدرس تئاتر و سینما است. در سال ۱۳۴۸ اولین داستان‌ش در مجله‌ی فردوسی چاپ شد. در سال ۱۳۵۷ به استخدام اداره‌ی فرهنگ و هنر درآمد. سپس کار را رها کرد و برای تحصیل سینما به ایتالیا رفت. پس از بازگشت به عنوان کارشناس آمار در دانشگاه علوم پزشکی مشغول به کار و نهایتاً نیز از همین دانشگاه بازنشسته شد. او فارغ-التحصیل دوره‌ی کارشناسی بازیگری- کارگردانی از دانشگاه آزاد و کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی از دانشکده هنر و معماری است.

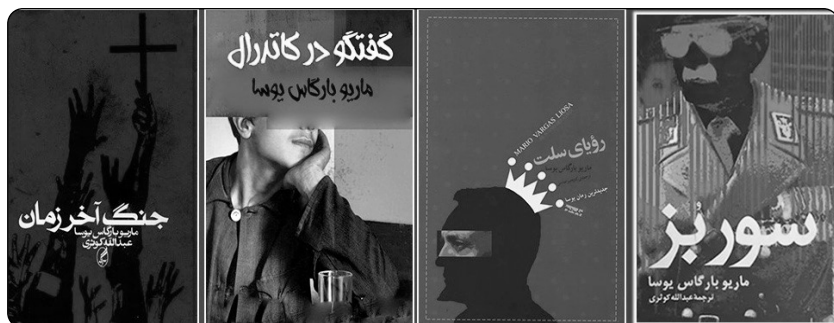
این نویسنده و هنرمند بوشهری به تازگی رمانی با عنوان «انتو با درد خویش آشنا شد» از سوی نشر افق منتشر و روانه‌ی بازار کتاب کرده است. در کارنامه‌ی ادبی احمد آرام این آثار نیز به چشم می‌خورد:

غریبه در بخار نمک (مجموعه داستان- نیم‌نگاه، ۱۳۸۰)؛ مرده‌ای که حالش خوب است (رمان- افق، ۱۳۸۳)؛ آنها چه کسانی بودند؟! (مجموعه داستان- افق، ۱۳۸۷)؛ همین حالا داشتم چیزی می‌گفتم (مجموعه داستان- چشمه، ۱۳۸۹)؛ این یارو، آنتیگونه (نمایش‌نامه- نوح نبی، ۱۳۸۹)؛ به چشم‌های هم خیره شده بودیم (مجموعه داستان- کتابسرای تندیس، ۱۳۹۰)؛ حلزون‌های پسر (رمان- افق، ۱۳۹۳)؛ بیدار نشدن در ساعت نمی‌دانم چند (مجموعه داستان- نیمائز، ۱۳۹۵) و

چرا ادبیات

محدودیت فکر و تخیل نیز در میان است. مسأله، مسأله فقر تفکر نیز هست، چراکه افکار و مفاهیم که ما به واسطه‌ی آن‌ها به رموز و وضعیّت خود پی می‌بریم، جدا از کلمات وجود ندارند. ما سخن گفتن درست، پرمغز، سنجیده و زیرکانه را از ادبیات و تنها از ادبیات خوب می‌آموزیم. هیچ یک از انواع علوم و هنرها نمی‌تواند در عنایشیدن به زبان مورد نیاز مردم جای ادبیات را بگیرد.

منبع: چرا ادبیات، ماریو بارگاس یوسا، ترجمه‌ی عبدالله کوثری، نشر لوح فکر، چاپ چهارم، ۱۳۸۹ ماریو بارگاس یوسا



در دل دارد بسنده نیست. اما مسأله تنها محدودیت کلامی نیست. اختلالی در بیان دارد، این آدم بسیار حرف می‌زند اما اندک می‌گوید، زیرا واژگانش برای بیان آن‌چه

یکی از اثرات سودمند ادبیات در سطح زبان تحقیق می‌یابد. جامعه‌ای که ادبیات مکتوب ندارد، در قیاس با جامعه‌ای که مهم‌ترین ابزار ارتباطی آن، یعنی کلمات، در متون ادبی پرورده شده و تکامل یافته، حرف‌هایش را با دقت کمتر، غنای کمتر و وضوح کمتر بیان می‌کند. جامعه‌ای بی‌خبر از خواندن که از ادبیات بویی نبرده، همچون جامعه‌ای از کرول‌ها دچار زبان‌پریشی است و به سبب زبان ناپخته و ابتدایی‌اش مشکلات عظیم در برقراری ارتباط خواهد داشت. این در مورد افراد نیز صدق می‌کند. آدمی که نمی‌خواند، یا کم می‌خواند یا فقط پرت‌وپلا می‌خواند، بی‌گمان